

جلسه پنجم

📌 موضوع: سوسیالیسم و کاپیتالیسم

📌 مدرس: حجت‌الاسلام سید امید مؤذنی

📌 مقرر: جناب آقای محمدجواد رضازاده

تاریخ: ۱۴۰۲/۰۸/۲۵

📌 مرحوم شهید صدر<sup>(ه)</sup> به خوبی فلسفه را به جامعه و مسائل جامعه متصل می‌کند.

شهید صدر<sup>(ه)</sup> سوسیالیسم و کاپیتالیسم را به عنوان دو رقیب واقعی و کمونیسم را به عنوان یک رقیب فرضی در نظر می‌گیرد. از منظر ایشان جهان‌بینی همه این مکاتب ماتریالیست و ریشه این تفکرات پوزیتیویسم می‌باشد.

به گفته ایشان لیبرال‌ها معتقد هستند که اگر انسان‌ها را رها کنیم که به سمت سود شخصی بروند، به یک حالت بهینه منفعت عمومی می‌رسیم و نیازی نیست که عنصری وارد در جامعه بشود، بلکه انسان‌ها خود می‌توانند منافع خویش را حداکثری کنند.

اما سوسیال‌ها در نقطه مقابل می‌گویند که برای رسیدن به منفعت حداکثری عمومی، باید فرد، قربانی جامعه شود.

### 📌 سیر تحقق مکاتب و نظریات

از نظر شهید صدر<sup>(ه)</sup> هیچ یک از مکاتب بر دیگری ارجحیت ندارد و در دل اتفاقات میدانی این نظریات ایجاد شده است.

خیلی‌ها شهید صدر<sup>(ه)</sup> را متهم می‌کنند که در درگیری با سوسیالیسم بوده است و چون الآن مساله ما لیبرالیسم می‌باشد، از شهید صدر<sup>(ه)</sup> گذر کرده‌ایم؛ اما معلوم می‌شود که شهید صدر<sup>(ه)</sup> به لیبرالیسم هم معطوف بوده است.

## ◆ نظام اجتماعی لیبرالیسم می شود یا کاپیتالیسم؟



ایده محوری لیبرال-دموکراسی قرار بوده به آزادی فکری، شخصی، اقتصادی و سیاسی ختم بشود. اما ایشان معتقد هست که این آزادی‌ها هم نمی‌تواند منفعت حداکثری جامعه را ایجاد کند.

▼ آزادی سیاسی، یعنی مردم بتوانند به وسیله رأی عمومی تعیین سروشت بکنند. و با توجه به اینکه این رای‌گیری‌ها از نقطه صفر شروع می‌شوند و هیچ پیش‌فرض رفتاری و اخلاقی را بدون رای‌گیری نمی‌پذیرند؛ از بین رفتن مصلحت و حق اقلیت بسیار طبیعی خواهد بود! در نتیجه می‌شود حکومت اکثریت بر اقلیت. پس آزادی سیاسی واقعا رخ نمی‌دهد، و در نتیجه دیکتاتوری ولو میان اکثریت و اقلیت رخ می‌دهد و حقوق اقلیت نابود می‌شود.

## ◆ اکثریت شکل گرفته، آزادی اقتصادی اقلیت را هم به وسیله قانون نقض می‌کنند!

▼ دیکتاتوری اکثریت می‌تواند به وسیله فرهنگ و رسانه، تبدیل به یک بسته فرهنگی بشود که جزء درخواست‌های اقلیت هم قرار بگیرد. یعنی به صورت نرم، فرهنگ عامه که به وسیله قانون‌گذاری و سیاست‌گذاری در دست اکثریت هست را، تبدیل به خواست همگانی (حتی اقلیت) می‌کند. در نتیجه برده‌ی راضی و آرام شکل می‌گیرد؛ و اقلیت، جامعه‌ای می‌شود که آرزوی او تبدیل به بردگی‌ست!

▼ همه‌ی مکاتب بشری بر سر آزادی و عدالت می‌جنگند؛ اما دعوا بر سر تعریف و ترکیب و چگونگی دستیابی به آزادی و عدالت می‌باشد، نه اصل آزادی و عدالت!

شهید صدر<sup>(ه)</sup> در بیان تفاوت لشکرکشی اسلام و جهان غرب در کشورگشایی می‌فرماید: در حرکت اسلام تعارضی میان این عمل و مبنای دین اسلام وجود ندارد؛ اما در نگاه لیبرالی، وقتی که سعی می‌کنند که با نیروی فیزیکی و خشن، جامعه‌ای را تصرف کرده و اصلاح بکنند، با اصل آزادی (که انسان به صورت خودکار به سمت سعادت می‌رود) در تنافی قرار می‌گیرد. یعنی این عمل آنها فشار بیرونی و نقص آزادی فردی می‌شود، در حالیکه خودشان گفته‌اند اگر فرد را رها کنیم، حداکثر منفعت را برای خودش جلب می‌کند.

▼ در لیبرالیسم، کمپانی‌ها و تاجران ذیل دولت‌ها کار می‌کنند و مقید به قوانین دولت‌ها هستند، اما در نئولیبرالیسم اینگونه نیست بلکه گفته می‌شود؛ که رانت دولتی مزاحم کمپانی چند ملیتی من می‌باشد و بازر آزاد (به معنای مطلق) باید شکل بگیرد تا سود و فروش من در دیگر کشورها به دلیل قوانین کشور میزبان، کاهش نیابد!



حکومت سرمایه‌داران کلان بر جامعه جهانی در لیبرالیسم، بسیار مستبدتر و خشن‌تر می‌باشد. و در واقع منفعت اجتماعی در این نگاه بیشتر ضعیف می‌شود. به طور مثال این افراد مالک کمپانی سیگار و نوشابه و ... می‌شوند که ضد منفعت اجتماعی است، اما فروش آن را در جامعه توسعه می‌دهند.

مرکز پژوهش‌ها و  
سیاست‌گذاری‌ها  
نهاد پژوهش‌های آینده

